

## عصمت سوادى<sup>۱</sup>

گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم اسلامی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

# تبیین واقعه و تاریخ غدیر و نقش آن در تربیت و تکامل انسان

## چکیده

اولین انسانی که بر زمین هیبوط کرد، حضرت آدم(ع) ولیّ خدا بود، پیامبران سیر کمالی داشتند و با توجه به نیاز بشر و بالا رفتن قدرت تفکر و تعقل، پیامبر کاملتری فرستاده می شد. لذا ما این سیر کمالی را در تاریخ ولایت مشاهده می کنیم، غدیر، غایت تداوم ولایت از آدم(ع) تا خاتم(ص)، بلکه تکمله آن است. مادر این کار پژوهشی به روش کتابخانه ای، اسنادی، توصیفی و تحلیلی، ضمن تعریف مفاهیم و بررسی تاریخی غدیر، نقش و جایگاه غدیر را در تکامل انسان بررسی کرده و بازتاب این نوشتار که یک کار پژوهشی کاربردی است، تحلیل این مساله است که هدف خلقت، رساندن انسان ها به کمال و سعادت حقیقی است و این، تنها از طریق ولایت امکان پذیر است. لذا، پذیرش ولایت، لازمه صعود انسان به کمال بی نهایت است و اگر در مراحل پایین در پذیرش ولایت، افراد ضعف داشته باشند، نخواهند توانست به مراحل بالا اوج بگیرند. ولایت پذیری های مراحل نخست، زمینه ای برای پذیرش ولایت حقیقی خداوند است و بهانه ای برای ایجاد ولایت پذیری محض می باشد.

واژگان کلیدی: ولایت، کمال، مباحث تاریخی، غدیر، امامت.

## مقدمه

اسلام کاملترین قانون کمال و سعادت انسانهاست و در نظر دارد که با اصلاح و تزکیه انسانها در دنیا، زندگی دائمی آنها را در جهان آخرت تضمین نماید و اجرای این قانون را به دست انسانهایی سپرد (پیامبران و امامان) که به دور از خطا بودند و الگوی تمام عیار برای آدمیان گردیدند.

امامت، غایت رسالت و رسیدن به آرامش، سعادت، انسانیت و کمال نهایی است، بشریت به آرامش و کمال نخواهد رسید مگر انسانی به معنای واقعی شود.

غدیر، هدف خلقت است؛ غدیر، غایت سیر کمالی است؛ غدیر یک تفکر است، سرفصل اعتقادی است، در بردارنده اصول و پایه هایی است که اگر بشر امروزی، عامل به آن باشد، از کلیه اضطراب و استرس های امروزی رها خواهد شد و آرامش را خواهد چشید و به هدف خلقت که یک انسان کامل است، خواهد رسید، غدیر، لازمه هستی است، غدیر یعنی فرقان نهایی حق از باطل؛ غدیر یعنی انتهای ولایت آدم علیه السلام تا خاتم صلی الله علیه و آله بلکه تکمیل و تتمیم آن؛ غدیر بارزترین جلوه تشیع و خط ولایت است؛ غدیر یادآور ولایت است؛ یادآور «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (امینی، مترجم: واحدی، ۵۶۵ و ۵۶۶)، خالق غدیر، علی علیه السلام است، یک انسان کامل و به کمال رسیده واقعی، کسی که از لحظه ولادت تا هنگام شهادت، در همه این ادوار، یک شخصیت استثنائی است. ولادت او در جوف کعبه است - که نه قبل از آن حضرت و نه بعد از آن تا امروز چنین چیزی اتفاق نیفتاده است - شهادت آن بزرگوار هم در مسجد و محراب عبادت است. بین این دو نقطه هم، همه زندگی امیرالمؤمنین جهاد است و صبر لله است، معرفت، بصیرت و حرکت در راه رضای الهی است. هموکه در ادوار مختلف برای اقامه حق، اقامه دین حق و حفظ اسلام، همه تلاش خود را به عرصه آورد، کسی که از نظر پیامبر اکرم (ص) میزان حق است، «علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیثما دار: اگر دنبال حقیقید، ببینید علی کجا ایستاده است، او چه می کند، انگشت اشاره او به کدام سو، است».

غدیر واقعه ای نیست که تنها جنبه تاریخی داشته باشد؛ جوهر اصلی واقعه غدیر، تأکید بر مسائل اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، احکام، خردگرایی، بیدار کردن فطرت، احقاق

حق، نشر عدالت و مبارزه با ستم و جهل و رساندن بشریت به نهایت آرامش، کمال و سعادت الهی است.

در ارتباط با واقعه تاریخی غدیر، از زوایای مختلف صدها، بلکه هزاران آثار به رشته تحریر در آمده است، اما هنوز هم می توان از زوایای مختلف، این حادثه تاریخی را مورد تحقیق و واکاوی قرار داد و چشم اندازه‌های روشنی را برای همگان، بالاخص نسل امروز که تشنه حقیقت و به دنبال الگوی کارآمد هستند، قرار داد.

ما در این کار پژوهشی، ابتدا ضمن تعریف مفاهیم اولیه و کلیات موضوع به توصیف مبانی و مفاهیم غدیر، کمال و تکامل، ولایت، رهبری، انسان کامل، غدیر و تاریخ این واقعه مهم، نقش غدیر، ولایت و امامت در تکامل انسانها و همچنین رابطه و نقش اعمال و رفتار عبادی و دیدگاه امام خمینی (ره) در ارتباط با ادامه امامت و ولایت فقیه را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

### مفهوم شناسی

غدیر در لغت از غَدَرَ؛ به معنی از آب برکه نوشیدن است (ابراهیم، ۱۳۸۲: ۲/ ۲۴۵ و بندر ریگی، ۱۳۷۸: ۳۹۰) و غدیر یعنی نوشاندن آب حیات به بشریت، یعنی به آرامش رساندن، به سعادت و کمال رساندن انسانهاست.

کمال، تمام و در مقابل نقص می باشد، داشتن هر چیزی است که برای آن شیئی لایق و ممکن باشد و نقطه عالی، پایانی و مرحله نهایی می باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۱۲).

کمال، مراحل و درجات یک چیز است، به طوری که اگر تمام اجزا و ارکانی که برای محقق شدن یک شیئی مورد نیاز می باشد، به وجود آید، کامل است و گرنه ناقص می باشد (مطهری، ۱۳۹۰: تکامل اجتماعی انسان، ۱۲ و ۱۴).

تکامل، حرکت به بالا و عمودی است، حرکت از مرحله ای به مرحله بالاتر و از سطحی به سطح بالاتر می باشد (مطهری، ۱۳۹۲: انسان کامل، ۱۷).

ولایت از ریشه وَلَّیَ به معنی نزدیکی و قرابت است (فاتحی نژاد، ۱۳۹۶: ۷۷۰). از حیث مکان، نسبت، دین و اعتقاد می باشد (اصفهانی، ۱۴۲۰: ۸۸۵).

ولیّ بر وزن فعیل در دو سیاق کاربرد دارد؛ هم به معنای والی و هم مولیّ علیه. هم در اسم فاعل استعمال می شود، هم در اسم مفعول. هم به کسی که مقام ولایت و سرپرستی را دارد، مالک اراده و اختیار است و متصرف در جمیع شئون؛ هم به کسی که در تحت ولایت چنین فردی است، اراده و اختیار خود را به او سپرده و تحت سرپرستی او درآورده است، ولی، الگوی فرد متکامل می باشد.

### ربط ذاتی والی و مولیّ علیه

بین دو کاربرد ولایت یعنی والی و مولیّ علیه یک ربط ذاتی وجود دارد، چون مولیّ علیه بدون والی نمی تواند وجود داشته باشد، حتی وقتی موجود شد، بدون والی نمی تواند ادامه حیات دهد.

والی نیز ممکن نیست به نحو مستقیم در عالم، ظهور و تجلی یابد؛ چون عالم ماده، قابلیت و گنجایش «هو» را ندارد لذا برای تجلی نیاز به واسطه هست. خلیفه و جانشینی که هم چون والی، ولایت تمام و کمال موجودات را در دست داشته باشد و آن، حقیقت محمدیّه صلی الله علیه و آله است و اطاعت او هم چون اطاعت خداوند، لازمه رشد و کمال است.

آن ها، انسان هایی کامل هستند که این توانایی و قابلیت را دارا هستند و خداوند نیز به آنان فیض مضاعف بخشید و برای خلافت برانگیخت. تمام فیوضات، نعمات و برکات، از طریق آنان به موجودات عطا می شود؛ آن ها واسطه فیضند؛ آن ها لازمه وجودند؛ ربط حق با عالم هستی هستند؛ روح عالمند؛ حقیقت هستی هستند لذا بدون آن ها هستی قابلیت هست بودن خود را از دست خواهد داد. یعنی ممکن نیست خدا باشد، جهان هستی باشد اما ربط بین حق و عالم نباشد. زمانی که این ربط حذف شود، کن فیکون می شود.

### ولایت، لازمه هستی

ولایت، لازمه همه چیز است؛ از خداوند گرفته تا کوچکترین وجود در هستی، با ولایت عجین و آمیخته است. ولیّ دو سیاق دارد یکی به معنای والی (اسم فاعل) و دیگری به معنای مولیّ علیه (اسم مفعول) در معنای اول ولیّ به دو نحو متصور است. یکی ولایت غیر حقیقی، ولایت باطل، ساختن مصداق های غیرواقعی از ولایت حقیقی؛ هم چون ولایت

بت، کفر و طاغوت؛ که خداوند در آیات قرآن از پذیرش ولایت غیرالهی برحذر داشته و نتیجه پذیرش آن را سقوط درظلمت مطرح نموده است. " وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاءُ لَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ " ( بقره ۲ : ۲۵۷ ) «؛ و کسانی که کفر ورزیدند و طاغوت را به عنوان ولی خود برگزیدند، از نور و هدایت به تاریکی و ظلمت می روند. »؛ و یا می فرمایند : " لَّا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ " (ال عمران ۳ : ۲۸) ، مؤمنان نباید کفار را به جای مؤمنان، دوست و سرپرست بگیرند.

دیگری ولایت حقیقی است، به ذات مقدس حضرت حق، ولی گفته می شود چون خالق ، مالک و مربی حقیقی است و هرچه داریم از اوست، نه تنها انسان، بلکه روزی دهنده تمام موجودات است. " وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا " (هود ۱۱ : ۶) . هیچ جنبنده ای در روی زمین نیست، مگر روزی او با خداست.

این ولایت منحصر در خداوند است " وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ "؛ (بقره ۱۰۷:۲)، شما را جز خداوند، هیچ سرپرست و یابوری نیست و طبق آیات، خداوند، خود این ولایت را به برخی اختصاص داده است. " إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ " (مائده ۵ : ۵۵) و یا "وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ "؛ ( توبه ۹ : ۷۱ ) جز این نیست که سرپرست و ولی شما، خدا و فرستاده اوست و کسانی که ایمان دارند ؛ آن ها که نماز برپا می دارند و در حالی که در رکوعند زکات می دهند. و یا " وَالَّذِينَ آوَأُ وَتَضَرَّوْا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ " (انفال ۸ : ۷۲) و مردان و زنان با ایمان ، دوست و سرپرست یکدیگرند.

این ولایت اختصاص داده شده به پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم علیهم السلام که جانشینان پیامبرند و اطاعت آنان به عنوان اولی الامر و در کنار اطاعت خدا و رسول (ص)، واجب است " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ " (نساء ۴ : ۵۹) و

در عصر غیبت امام زمان (ع) آنچه به نام ولایت فقیه مطرح است، ریشه در ولایت امام دارد و رهبر جامعه، فقیه جامع شرایط عادل و آگاهی است که اطاعت از او لازم است. در معنای دوم ولیّ به معنای مولیّ علیه است، طبق آیات به افرادی که تحت اختیار و اراده والی قرار دارند نیز ولیّ گفته می شود "أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَخَوْفُ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ" (یونس ۱۰: ۶۲) آگاه باشید که به یقین اولیای خداوند نه بیمی بر آن ها می رود، نه اندوهی خواهند داشت.

تمام موجودات در هستی، تحت اراده و اختیار تکوینی حضرت پروردگار هستند و هیچ موجودی از این قاعده مستثنی نیست و کسی که این قانون کلی را درک کند خود را تحت چنین اراده و اختیاری قرار دهد او را ولیّ الله گویند (حسینی طهرانی، ۱۳۹۳: معاد شناسی، ۶۶/۲). این ولایت، در کل هستی جاری است، همه موجودات اعم از انسان، حیوان، نبات و جماد، یک هدایت تکوینی دارند، حرکت به سوی کمال و کامل شدن. ولایت یعنی هم جهت بودن با حرکت تکاملی جهان می باشد.

### سلسله پیوسته ولایت در تاریخ بشر

این ربط ذاتی بین والی و ولیّ را در تاریخ زندگی بشر هم مشاهده می کنیم اولین بشر، حضرت آدم علیه السلام، اولین ولیّ خداوند در روی زمین بود؛ در طول تاریخ ما می بینیم تک تک پیامبران الهی آمدند و در تاریخ انبیاء برای تداوم این خط نورانی سلسله اوصیا عهده دار تداوم راه پیامبران بوده اند و انتخاب وصی هم به امر الهی بوده است و نام یکایک اوصیا در منابع روایی آمده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۳ / ۵۷ و حسینی طهرانی، ۱۴۲۶ق: امام شناسی ۲ / ۲۲۹ - ۲۷۵)، در نهایت خاتم پیامبران، نبیّ مکرم (ص) و تکمله ولایت الهی از طریق اهل بیت علیهم السلام و در انتها ولایت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد و طبق روایات، زمین هرگز خالی از حجت نمی ماند (کلینی، ۱۳۶۷: ۱ / ۱۶۸ و مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۳ / ۱ - ۵۶)، خداوند بندگان را بی حجت و نمی گذارد، بدون وجود امام، حجت خدا بر مردم تمام نیست، اگر در روی زمین تنها دو نفر وجود داشته باشند، یکی حجت بر دیگری است؛ یکی امام و دیگری مأموم است و اگر حجت و ولی خدا نباشد، زمین مردم را در کام

خود فرو خواهد برد، امام، رهبر و ولی همیشه وجود خواهد داشت تا بتواند انسانهایی را که دنبال کمال، سعادت، آرامش و زندگی جاوید می باشند، راهنما و رهبر باشند.

### غدیر، غایت سیر کمالی و تکامل، بلکه تکمله آن

اولین انسانی که بر زمین هبوط کرد، حضرت آدم علیه السلام ولیّ و جانشین خدا بر روی زمین بود؛ و از این باب که زمین هیچ گاه از حجت خالی نیست، سلسله ولایت هم چنان بر زمین حاکم بوده است، تک تک پیامبران آمدند و همه به توحید فرا می خواندند .

پیامبران سیر کمالی داشتند و با توجه به نیاز بشر و بالا رفتن قدرت تفکر و تعقل، پیامبر کاملتری فرستاده می شد، تا در آخرالزمان که عقل بشر به اوج خودش رسید و بالاترین پیامبر، به عنوان خاتم الانبیاء (ص)، برای بشر فرستاده شد، لذا ما این سیر کمالی را در تاریخ ولایت مشاهده می کنیم و اوج ولایت و غایت ولایت را در غدیر می یابیم .

غدیر، هدف خلقت است؛ غایت سیر کمالی است، یک تفکر است، سرفصل اعتقادی است، در بردارنده اصول و پایه هایی است که اگر بشر امروزی، عامل به آن باشد، از کلیه اضطراب ها و استرس های امروزی، رها خواهد شد و آرامش را خواهد چشید و به هدف خلقت، که یک انسان کامل می باشد، خواهد رسید.

غدیر، لازمه هستی است، یعنی فرقان نهایی حق از باطل؛ انتهای ولایت آدم(ع) تا خاتم(ص)، بلکه تکمیل و متمیم آن؛ بارزترین جلوه تشیع و خط ولایت است؛ یادآور ولایت است؛ چه در غدیر، در حجة الوداع، آخرین حج پیامبر (ص) و در تنها حجی که پیامبر (ص)، بعد از مهاجرت به مدینه انجام دادند (امینی، ۱۳۶۸: مترجم : واحدی، ۱/ ۲۹) تقریباً هفتاد روز به پایان زندگی پیامبر (ص) در بازگشت به سمت مدینه، در منطقه غدیر خم در محلی که کاروان ها از هم جدا می شدند، حضرت جبرئیل امین علیه السلام، پیام مهمی از سوی خداوند آورد تا رسول خدا صلی الله علیه و اله آن را به مردم ابلاغ کنند؛ پیامی حساس و حیاتی که اگر آن را نرساند، رسالت خدا را به انجام نرسانده است. "يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ

إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ" (مائده ۵: ۶۷) پیامبر صلی الله علیه و اله دست علی علیه السلام را گرفتند و بلند کردند و فرمودند: " مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ "؛ "هر کس من مولا و سرپرست و پیشوای او بودم، علی مولا و سرپرست و پیشوای اوست" (امینی، ۱۳۶۸: مترجم: واحدی، ۵۶۵ و ۵۶۶).

در این مراسم با شکوه و جلوه های به یاد ماندنی، رسول خداوند جانشین خود را نصب کردند و مردم را ملزم کردند که از ایشان اطاعت کنند و از فرمانش سر پیچی نداشته باشند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۱: ۲ / ۲۵۱) و مردم دسته دسته آمدند و به حضرت علی علیه السلام تبریک گفتند؛ پس از آن، آیه نازل شد: " الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي "؛ (مائده ۵: ۳) " امروز دینتان را برایتان کامل کردم و نعمت را بر شما تمام ساختم"، یعنی تکمیل دین و تتمیم نعمت الهی، ولایت علی بن ابی طالب (ع)، است.

امام صادق (ع) فرمودند: وکان کمال الدین بولایة علی بن ابی طالب؛ کمال دین، به ولایت علی بن ابی طالب (ع) بود (کلینی، ۱۳۶۷: ۱ / ۲۹).

### غدیر، فرقان نهایی حق از باطل

در مسیر خلقت، تک تک پیامبران علیهم السلام، آمدند تا انسان ها را به حق رهنمون کنند و در جهت کمال راهنما، رهبر و الگو باشند، در هر نقطه ای از تاریخ، عده ای پذیرفتند و عده ای مخالفت کردند.

دو مسیر ولایت حق و باطل در کل تاریخ، وجود داشت؛ برخی بر فطرت پاک خود باقی مانده و ولایت الهی را پذیرفتند. " اللَّهُ وَلى الَّذِينَ آمَنُوا يَخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ " (بقره ۲: ۲۵۷) و از ظلمات به نور سیر کردند و برخی از ولایت کفر و طاغوت تبعیت کردند. مادبات، و زرق و برق دنیوی، مال و منال و مقام آنها را فریفت " وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يَخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ " (بقره ۲: ۲۵۷) و از نور به ظلمت سیر کردند .

از آغاز خلقت که حضرت آدم (ع) بر زمین هبوط کرد و زندگی بشر شروع شد، این مخالفت با ولایت وجود داشت، طبق روایات، اولین دولتی که تشکیل شد، دولت حضرت



آدم (ع) در مکه است، مطابق بعضی روایات حضرت آدم (ع) حدود هزارسال عمر کرده است و تعداد نفوس جامعه حضرت آدم (ع) حدود چهل هزار نفر است. از قرآن و روایات استفاده می شود که بعد از اینکه حضرت آدم (ع)، هبوط کرد، در مناسک حج، بر ابلیس غلبه کرد و از اینجا، راه نفوذ ابلیس بر حضرت آدم (ع) بسته شد، این نکته پیامی را به ما می رساند که درمرکز حکومت دینی، ابلیس، دیگر راه ندارد، اینجاست که بحث ولایت، اهمیتش روشن می شود و اینکه چطور در رساندن انسانها به کمال نقش کلیدی دارد و این خط اصلی در طول تاریخ باید حفظ شود تا شیطان نتواند در انسانها راه پیدا کند.

حضرت آدم (ع)، عمل به شعائر می کرد و به فرزندان خود می آموخت که چنین کنند، در کنار این حرکت حضرت آدم، ابلیس نیز فعالیت می کرد و در حاشیه جامعه شروع به تأثیرگذاری بر فرزندان حضرت آدم و شکار آن ها می کرد که ماجرای جنایت قابیل پیش آمد و تبعید قابیل از جامعه حضرت آدم؛ و قابیل رفت و یک جامعه تشکیل داد، پس، مخالفت با حکومت الهی از زمان حضرت آدم وجود داشته است.

بعد از اینکه حضرت آدم (ع)، رحلت می کند، فرزند او شیث یا هبه الله با وصیت حضرت آدم (ع)، جانشین او می شود، از روایات استفاده می شود حضرت آدم به شیث (ع)، وصیت کرد که تو نسبت به قابیل و جامعه قابیل وظیفه ای نداری، از این وصیت، می شود این برداشت را کرد که تو، نمی توانی آن ها را اصلاح کنی و بعد به او وعده ظهور دولت نوح را می دهد " ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا " سپس یکی بعد از دیگری، رسولان ما آمدند.

مسیر الهی و ولایت مردان خدا، مردم را رشد و سیر به سوی کمال می داد و در هر نقطه ای از این مسیر، آزمون های الهی محقق می شد و در هر آزمونی، برخی سربلند بیرون آمدند و برخی از مسیر انسانیت، سعادت و کمال، خارج می گشتند، گویی از دامنه وسیع ولایت عام، کم کم در تاریخ، افرادی جدا شدند، این دایره در سیر تاریخ، کوچکتر و خاص تر می شود و از خواص، افرادی جدا می شوند؛ تا در اوج شریعت، یعنی کمال دین

ابراهیمی، یهودی و مسیحیت، ظهور اسلام را داریم، در دایره محدود مسلمانان نیز، طبق سنت تاریخی، باید فرقان و جدایی انسانهای کمال یافته از غیر، صورت گیرد و خاص الخواص، که ولایت پذیر محض این مسیرند، در عالم تجلی و ظهور کنند؛ افرادی در اوج کمال که قابلیت مدیریت هستی را دارا باشند؛ تا حضرتش به مدد آن ها، زمین را پر از عدل و داد کند، در اوج این فرقان و جدایی، انسان هایی را شاهدیم که ظاهراً تمام ولایت های پیشین را پذیرفته بودند، اما چون با تمام وجود، حقیقت این ولایت را درک نکرده بودند، مسیر فراغ و جدایی از آن را طلبیدند، آنها نتوانسته بودند به این حقیقت برسند که ولایت یعنی رفع منیت، یعنی اطاعت محض، یعنی خود را ندیدن و تنها و تنها اورا دیدن؛ لذا به " وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ " (نجم ۵۳: ۳) او هرگز از هوای نفس سخن نمی گوید، نرسیدند.

تهمت هذیان گویی، زدند و حتی از آوردن قلم و کاغذ امتناع کردند و از فرمان حضرتش که خواست تحت سر پرستی سردار جوان بیست و پنج ساله ای به نام اسامه با دشمن نبرد کنند، سرپیچی کردند.

آری غدیر، فرقان نهایی حق از باطل است، آن ها که در این آخرین آزمون الهی سربلند بیرون آیند، به کمال وجودیشان خواهند رسید.

در اهمیت غدیر همین بس، که اگر اجرا می شد، احکام اسلامی دستخوش تغییر و تحریف نمی شد، اموال عمومی غارت نمی شد، تبعیض و نژادپرستی دوباره به جامعه بر نمی گشت، بچه های پیامبر در کربلا تکه تکه نمی شدند، نوشتن حدیث پیامبر صدسال ممنوع نمی شد، میدان برای جاعلان حدیث باز نمی شد تا با دروغ پردازی های خود، چهره اسلام را لکه دار کنند، زمینه اختلاف بین امت فراهم نمی آمد، جنگ های خونین رخ نمی داد و دریک کلمه اگر خطبه غدیر غریب نمی ماند، اکنون در جهانی بهتر و با فضایل و حسنات زیادتری، به سر می بردیم و انسانها در مسیر کمال، آرامش و سعادت واقعی و حقیقی، راحت تر قرار می گرفتند.

### امام خمینی (ره) و غدیر

جهانی و همیشگی بودن آیین اسلام و نیاز انسانها به تکامل، ایجاب می کرد که پس از رحلت پیامبر (ص)، حکومت دینی آن حضرت تداوم یابد و رهبری امت اسلامی پس از او در

قالب امامت و ولایت امام معصوم (ع) برعهدهٔ اولی الامر باشد، غدیر فلسفهٔ سیاسی اسلام بود و ضامن تداوم آن اهداف و نظام دینی بود، به همان دلیل که با در گذشت پیامبر خدا (ص)، اسلام پایان نیافت و رهبری به دوش امیرمؤمنان (ع) و امامان دیگر (علیهم السلام) قرار گرفت، در عصر غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز، این رهبری بر دوش صالح ترین، دین شناس ترین و آگاه ترین رهبران اسلامی است که از آن به ولایت فقیه، تعبیر می شود.

حق سرپرستی امت از سوی ولی فقیه و هدایت و رهبری و به کماب رساندن مردم در این روزگار، به دلایل عقلی و نقلی با فقیهان جامع شرایط است، همانگونه که امامان، حجت الهی بر مردمند، فقها نیز از سوی ائمه (ع) به عنوان حجت بر مردم معرفی شده اند و به تعبیر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در حدیث حوادث واقعه " فَأَنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ " (عاملی، ۱۳۹۹ق: ۱۸ / ۱۰۱) که می رساند، آنان حجت آن حضرت بر مردمند و امام علیه السلام حجت خدا بر مردم می باشد، دلیل عقلی وجود رهبر در همه زمانها برای رساندن انسانها به کمال و سعادت جاودانی نیز از خود قوانین دین و کیفیت آیین اسلام، برمی آید، تا جایی که امام خمینی (قدس الله سره) می فرماید: «ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آن ها موجب تصدیق می شود و چندان به برهان احتیاج ندارد، به این معنی که هر کس عقاید و احکام اسلام را حتی اجمالاً دریافته باشد، چون به ولایت فقیه برسد و آن را به تصور درآورد، بی درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: حکومت اسلامی، مقدمه).

ولایت فقیه به معنای ادارهٔ جامعهٔ اسلامی در عصر غیبت زیر نظر رهبر فقیهی است که هم علم به قانون خدا داشته باشد و هم عدالت، پاکی، لیاقت، مدیریت و کفایت داشته باشد و این همان تداوم غدیر و رساندن بشریت به تکامل در عصر غیبت امام معصوم (ع) است، این مطلب در قانون اساسی نیز ترسیم شده است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل های ۵ و ۱۰۷ تا ۱۱۲).

حضرت امام خمینی (قدس الله سره) به حق، یکی از احیاگران پیام و حقیقت غدیر در بُعد سیاسی است که با شناخت عمیق از مفهوم ولایت و امامت شیعی، با تشکیل جمهوری اسلامی و برپایی نظام دینی در ایران، هدف شیعه و رساندن انسانها به کمال را در عصر غیبت امام معصوم (ع) تحقق بخشید و ولایت فقیه را که تداوم ولایت امامان علیهم السلام و حضرت رسول (ص) است، عینیت بخشید.

امام خمینی (قدس الله سره)، حکومت بر مبنای غدیر را اصیل می دانست و می فرمود: در صدر اسلام، دوبر حکومت اصیل اسلام محقق شد، یکی زمان رسول الله (ص) و دیگری، وقتی که در کوفه علی بن ابی طالب (ع)، حکومت می کردند، در این دو مورد بود که ارزش های معنوی حکومت می کرد، یعنی حکومت عدل برقرار بود و حاکم، ذره ای از قانون تخلف نمی کرد (موسوی خمینی، ۱۳۶۶: صحیفه نور ۱۰ / ۱۶۸).

نگام امام به غدیر، علاوه بر جوهره ولایتی آن که رساندن انسانها به تکامل می باشد، نگاهی سیاسی و حکومتی نیز بود و ایشان به صراحت بیان می کنند که غدیر روزی است که پیغمبر اکرم (ص) وظیفه حکومت را معین فرموده و الگوی حکومت اسلامی را تا آخر تعیین فرمودند.

یک جامعه در صورتی دارای ولایت الهی است که در آن ولیّ مشخص بوده و عملاً مصدر و الهام بخش همه نشاط ها و فعالیت های زندگی بشریت، باشد و یک فرد در صورتی دارای ولایت الهی است که شناخت درستی از «ولی» داشته و برای هرچه بیشتر وابسته و مرتبط ساخته خود به او، که مظهر «ولایت خدا» است، دائماً در تلاش و کوشش به سر برد و در مسیر کمال و سعادت حرکت کند.

ولیّ جامعه اسلامی، یعنی خدا و آن قدرتی که همه فعالیت ها و نشاط های فکری و عملی را رهبری و اداره می کند و هر آنکه خدا وی را، به نام یا به نشان، به ولایت بگمارد (خامنه ای، ۱۳۹۲: طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن ۱ / ۱۱۱ و ۱۱۶ و ۱۲۶).

### نیاز انسان متکامل به غدیر

مسأله غدیر، جزو مسائلی است که امروزه به جامعه انسانی، برای رسیدن به مسیر درست بشریت و دست یافتن به سعادت و کمال، بسیار ضروری می باشد، اینکه موسوی خمینی و پیش از ایشان، بسیاری از بزرگان فقها بر روی مسئله وحدت دین و سیاست و اهمیت

مسأله حکومت در دین تکیه می‌کردند، ریشه‌اش در تعالیم انسان سازاسلام و از جمله در درس بزرگ غدیر است، این اهمیت موضوع را می‌رساند و همهٔ مردمانی که از واقعهٔ غدیر خم، این معنا را می‌فهمند، بایستی در همهٔ دوران‌های تاریخ اسلام توجه کنند به اینکه مسألهٔ حکومت، یک مسألهٔ اساسی و مهم و درجهٔ اول، انسان سازی است؛ در نتیجه، نمی‌شود نسبت به مسألهٔ حکومت و حاکمیت بی‌اعتنا و بی‌تفاوت بود، نقش حکومت‌ها، در هدایت مردم یا در گمراه کردن مردم امری است که تجربهٔ بشر به آن حکم می‌کند، اگر حکومتی دغدغهٔ انسان سازی و قرار دادن انسانها در مسیر تکامل را داشته باشد، شما شاهد پیشرفت آن جامعه از نظر فضایل و ارزشهای انسانی خواهید بود وگرنه کار خیلی مشکل می‌شود، اینکه در نظام جمهوری اسلامی، چه در قانون اساسی، چه در بقیهٔ معارف جمهوری اسلامی، این همه بر روی مسألهٔ مدیریت کشور اسلامی تکیه می‌شود، به خاطر همین ریشهٔ بسیار عمیق و عریقی است که در اسلام نسبت به این قضیه وجود دارد.

### الگو برای تکامل

نکتهٔ مهم در واقعهٔ غدیر این است که می‌بینیم پیغمبر اسلام (ص)، امیر المؤمنین؛ علی بن ابی طالب (ع) را به عنوان الگویی برای کل جوامع بشری، معرفی کردند. چه خصوصیتی در حضرت وجود داشت که شایسته این جایگاه گردید، خصوصیتی که در آن دوران و در دوران‌های بعد زندگی، به آن شناخته شد، چه بود؟ این‌ها باید برای جامعه انسانی امروز شناخته شود، الگوی ما در دنیای امروز باید ایشان باشند، باید به این سمت حرکت کنیم، هدف باید این باشد، همّت باید این باشد، امروز جامعه اسلامی ما باید همّتش همان چیزی باشد که آن روز امیر المؤمنین (ع) در صدد انجام دادن آن بود و در آن فرصتی که بدست آورد برای حاکمیت ارزش‌ها و فضایل، نهایت استفاده را کرد، باید دید شاخصه‌های امیر المؤمنین (ع) و نظامی که ایشان در صدد تشکیل آن نظام بود، چیست؟ ما باید آن شاخصه‌ها را در نظر بگیریم و به سمت آن‌ها حرکت کنیم، امیر المؤمنین اولین خصوصیتش، دل‌بستگی و پایبندی به رضای الهی و حرکت در مسیر صراط مستقیم بود که این نهایت

ارزش انسانی است، کمال نهایی است و رسیدن و وصل شدن به ابرقدرتی است که انتها ندارد و انسانها را در بی نهایت قرار می دهد و کلیه آرزوهای بشریت را به سرانجام می رساند .

امیر المؤمنین، کسی است که برای خدا و در راه خدا از دوران کودکی تا لحظه شهادت یک لحظه و در یک قضیه پا عقب نکشید و دچار تردید نشد و همه وجود خود را در راه خدا به میدان آورد، پیغمبر اکرم (ص) یک چنین کسی را در رأس جامعه اسلامی برای هدایت و کمال انسانها، قرار می دهد، این شد درس؛ این یک درس برای امت اسلامی است، فقط یک حافظه تاریخی و خاطره مربوط به قرن های گذشته نیست، این نشان می دهد که برای اداره جامعه اسلامی و جوامع اسلامی و امت اسلامی و رساندن انسانها به کمال و سعادت، معیارها این هاست: معیار برای انسانیت، تکامل، عدالت، اخلاق، توحید، کار را برای خدا انجام دادن، در نگاه به آحاد جامعه، نگاه مهربان و عطوفت بار به همه، همه افراد جامعه داشتن، در راه رضای خدا مجاهدت کردن، جان و مال را به عرصه آوردن، از هیچ سختی و مشکلی روگردان نبودن، و از دنیا اعراض کردن، این قله، امیر المؤمنین است؛ شاخص وجود امیر المؤمنین است. این درس بزرگ غدیر است (دیدار مقام معظم رهبری (دامت افاضاته) به مناسبت عید سعید غدیر خم سال ۱۳۸۷).

#### رابطه غدیر (ولایت) و تکامل انسانها (تولی)

غدیر، ولایت است و ولایه و ولایه به معنی قرابت و نزدیکی است (ابراهیم، ۱۳۸۲: ۲ / ۱۰۵۸ و مترجم: بندر ریگی، ۶۹۴) با تولی ( که باعث تکامل انسانهاست)، رابطه ای دوجانبه دارند، چراکه ولاء و تولی، نوعی همبستگی و نزدیکی بین دو چیز است (اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۸۸۵) به نحوی که فاصله ای میان آن دو نباشد (قرشی، ۱۳۵۲: ۷ / ۲۴۵) ولایت در حقیقت به معنای پیوند، ارتباط و اتصال است، آن کسی که منصوب به این مقام است، بر خلاف حکام و فرمانروایان فقط یک حاکم نیست، بلکه یک ولی است، به مردم نزدیک است به آن ها پیوسته است و مورد اتکای دل و جان مردم است.

«ولایت علی علیه السلام را پذیرفتن» یعنی التزام به حکومت علوی با همه ابعاد، ضوابط و شرایطش، با پیروی از او به عنوان یک سرمشق و الگو در کلیه فضایل و ارزش ها و در مسیر

تکامل، تسلیم بودن تنها در برابر خدا، پیوند با خدا و گسستن و رها شدن از هر ولایتی دیگر و دفع نیروها، قطب‌ها و عوامل مخرب و ناهمساز قدم گذاشتن می‌باشد. در این ولایت دوجانبه از یک سو امامان معصوم و حجت‌های الهی بر امت «ولایت» دارند، از سوی دیگر، پذیرش ولایت آنان و تبعیت و تسلیم بودن و موالات و توالی با آنان، تکلیف و وظیفه است و چنین ولایتی، هم موجب کمال انسانها، سعادت اخروی و ورود به بهشت است، هم مایه نجات، وحدت و قدرت امت اسلام در دنیاست و قطعاً ولایت، زمانی بشریت را به سوی تکامل پیش می‌برد که به فرموده امام رضا (ع)، همراه برائت از دشمنان هم باشد) محمدی ری شهری، ۱۳۹۰: اهل البیت فی الکتاب و السنه ۳۷۸).

### غدیر و عاشورا؛ عدم ولایت و دور شدن از مسیر تکامل

حادثه ای که در عاشورا اتفاق افتاد، پیامد تلخ زیر پا نهادن پیام غدیر از سوی امت محمدی بود، آنان که سر از اطاعت ولی خدا و امام معصوم برتافتند و با غیر حجت الهی بیعت کردند، در بستری از جاهلیت، نفاق و دور شدن از مسیر تکامل، افتادند و رفته رفته آن سیر، سرعت گرفت و آن فاصله افزون گشت تا آنجا که در عاشورا ی سال ۶۱ هجری (پنجاه سال پس از حادثه غدیر خم) امت فریب خورده، بر محور سیاست‌های خصمانه امویان گرد آمدند و حجت خدا را لب تشنه در کربلا به شهادت رساندند و آل الله را به عنوان اسیر، شهر به شهر گرداندند، اگر پیام غدیر در سقیفه دفن نمی‌شد و اگر امام حق، پس از وفات رسول خدا خانه نشین نمی‌گشت و اگر آن ظلم نخستین توسط اولین ظالم در حق آل محمد (ص) صورت نمی‌گرفت، اگر مسیر تکامل بشریت به دست فراموشی سپرده نمی‌شد، در عاشورا تیغ به روی فرزندان پیامبر نمی‌کشیدند.

اگر عاشورا را با غدیر پیوندی استوار است، چون از سوی جبهه حق در هر دو حادثه، تأکید بر امامت امام معصوم و ولایت صالحان است، ولایتی که داشتن آن، انسان را در مسیر کمال و سعادت قرار می‌دهد و دوری از آن، بشریت را در ورطه سقوط و نیستی و دوری از

کمال و ارزشهای والا قرار می دهد، سقیفه را هم با عاشورا ارتباطی تنگاتنگ است، چون حادثه تلخ عاشورا نتیجه آن ظلم نخست و انحراف اولیه در سقیفه است، وقتی آل علی و ولایت را کنار زدند، آل سفیان سلطنت یافتند و بدعت به جای سنت نشست و کینه های بدر، احد و احزاب، در کربلا سر باز کرد و فرزندان جاهلیت از فرزندان وحی انتقام گرفتند، در نتیجه الگوهایی که باید در مسیر هدایت مردم و رساندن آنها به تکامل در راس حکومت جا می گرفتند به دست شقی ترین افراد به شهادت می رسند.

### سلسله مراتب ولایت در زندگی

مراتب ولایت و رسیدن به کمال توسط ولی را در جای جای زندگی مشاهده می کنیم، مسیر زندگی براساس ولایت و پذیرش ولی بنا شده است و کسانی که ولایت پذیری الهی داشته باشند، به رشد و کمال حقیقی خواهند رسید.

از درون انسان گرفته که در جدال بین عقل، احساس، امیال و شهوات، کمال و سعادت وجودی با فردی است که ولایت پذیر عقل باشد؛ تا خانواده که ولایت پذیری فرزندان از ارکان اصلی پدر و مادر مطرح است و ولایت پذیری قوه قلب و احساس خانواده از قوه تدبیر و تعقل و قوام مطرح است؛ تا ولایت پذیری افراد در شریعت از مجتهد، در طریقت از پیرو مرشد، در تخصص از متخصصین و در امور حکومتی از ولی فقیه؛ و ادامه این سلسله که به معصومین علیهم السلام و ولایت خداوند ختم می شود، پذیرش ولایت بدین نحو، لازمه صعود انسان به کمال بی نهایت است و اگر در مراحل پایین در پذیرش ولایت، انسان ضعف داشته باشد، نخواهد توانست به مراحل بالا اوج بگیرد، ولایت پذیری های مراحل نخست زمینه ای برای رفع منیت و پذیرش ولایت حقیقی خداوند، است.

اصلاً فلسفه احکام در شریعت نیز بر این مبناست، اصل بر عبادات نیست بر نماز و روزه و حج و . . . نیست؛ بلکه، اصل بر اطاعت است، اینها بهانه برای ایجاد ولایت پذیری محض است.

### غدیر و غیبت ولی خدا

<sup>۱</sup> اشاره به آیه ۳۴ از سوره نساء: "الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ".



غدیر یعنی ظهور امامت، ظهور ولایت و تجلی اولی الامر منکم می باشد، اما نگذاشتند غدیر ظاهرشود، تجلی غدیر، انسان ها را به بی نهایت می رساند که محقق نشد، به فرموده پیامبر اکرم (ص): لو اجتمع الناس کلهم علی ولایه علی علیه السلام ما خلقت النار؛ اگر مردم همگی ولایت امیر المؤمنین علی (ع) را می پذیرفتند، آتش جهنم را نمی آفریدم(حرعاملی، ۱۳۸۲: ۴۱۲).

اکنون ادامه همان مسیر است، ما هستیم و امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) در اوج غربت و تنهایی! شیعیان محروم از دیدار ولی خدا هستند، تا زمانی که منیت را از خود دور کرده و اطاعت محض ولی را با تمام وجود پذیرا باشند.

### نتیجه گیری

۱. هدف خلقت، رساندن انسان ها به کمال و سعادت حقیقی است.
۲. رسیدن به کمال نهایی و تکامل بشریت، تنها از طریق ولایت پذیری است.
۳. خداوند پیامبران علیهم السلام را فرستاد تا آن ها را به این حقیقت، رهنمون کند.
۴. اشرف و خاتم آن ها نبی مکرم اسلام (ص) است و تکمله آن ولایت اهل بیت (ع) است.
۵. در عصر غیبت امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز، این ولایت و رهبری بر دوش صالح ترین، دین شناس ترین و آگاه ترین رهبران اسلامی است که از آن به ولایت فقیه تعبیر می شود.
۶. در غدیر، اتمام حجت، صورت گرفت.
۷. نکته مهم در واقعه غدیر این است که می بینیم پیغمبر اسلام (ص)، امیر المؤمنین؛ علی بن ابی طالب (ع) را به عنوان الگویی برای کل جوامع بشری، معرفی کردند.

۸. امیر المؤمنین، کسی است که برای خدا و در راه خدا از دوران کودکی تا لحظه شهادت یک لحظه و در یک قضیه، عقب نشینی نکرد و دچار تردید نشد و همه وجود خود را، در راه خدا به میدان آورد.
۹. پیغمبر اکرم (ص) یک چنین کسی را (حضرت علی علیه السلام) در رأس جامعه اسلامی برای هدایت و کمال انسانها، قرار می‌دهد.
۱۰. واقعه غدیر، یک درس برای امت اسلامی است.
۱۱. واقعه غدیر، فقط یک حافظه تاریخی و خاطره مربوط به قرن‌های گذشته نیست.
۱۲. غدیر، معیارهایی که برای اداره جامعه اسلامی و رساندن انسانها به کمال و سعادت، لازم می‌باشد، نشان می‌دهد.
۱۳. شاخص وجود امیر المؤمنین، معیاری برای انسانیت، تکامل، عدالت، اخلاق، توحید، کار را برای خدا انجام دادن، می‌باشد و در نگاه به آحاد جامعه، حضرت، نگاه مهربان و عطوفت‌بار به همه جامعه داشتند، در راه رضای خدا مجاهدت کردند، جان و مال را به عرصه آوردند، از هیچ سختی و مشکلی روگردان نبودند و از دنیا اعراض کردند.
۱۴. غدیر، فرقان نهایی حق از باطل است، آن‌ها که در این آخرین آزمون الهی سربلند بیرون آیند، به کمال وجودیشان خواهند رسید.
۱۵. در اهمیت غدیر همین بس، که اگر اجرا می‌شد، احکام اسلامی دستخوش تغییر و تحریف نمی‌شد، اموال عمومی غارت نمی‌شد، تبعیض و نژادپرستی دوباره به جامعه بر نمی‌گشت، نوشتن حدیث پیامبر صدسال ممنوع نمی‌شد، میدان برای جاعلان حدیث باز نمی‌شد تا با دروغ پردازی‌های خود، چهره اسلام را لکه دار کنند، زمینه اختلاف بین امت فراهم نمی‌آمد، جنگ‌های خونین رخ نمی‌داد و دریک کلمه، اگر خطبه غدیر غریب نمی‌ماند، اکنون در جهانی بهتر و با فضایل و حسنات زیاده‌تری، به سر می‌بردیم و انسانها در مسیر کمال، آرامش و سعادت واقعی و حقیقی، راحت‌تر قرار می‌گرفتند.
۱۶. پذیرش ولایت بدین نحو، لازمه صعود انسان به کمال بی‌نهایت است و اگر در مراحل پایین در پذیرش ولایت، انسان ضعف داشته باشد، نخواهد توانست به

مراحل بالا اوج بگیرد، ولایت پذیری های مراحل نخست زمینه ای برای رفع منیت و پذیرش ولایت حقیقی خداوند، است.

۱۷. فلسفه احکام در شریعت نیز بر این مبناست، اصل بر عبادات نیست بر نماز و روزه و حج و . . . نیست؛ بلکه اصل بر اطاعت است، اینها بهانه ای برای ایجاد ولایت پذیری محض است.

۱۸. در نتیجه، غدیر، غایت سیر کمالی انسان ها به کمال و سعادت حقیقی است.

۱۹. دعوت ما از همه مسلمانان عالم این است که این حقائق را مورد تأمل قرار بدهند تا این شاء الله ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که مبتنی به رسیدن انسان ها به این مرحله است صورت بگیرد. این شاء الله

#### کتاب نامه:

#### \* قرآن کریم

۱. ابراهیم، مصطفی (۱۳۸۲)، المعجم الوسیط، تهران: انتشارات مرتضوی.
۲. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۴۱۲ق)، الاغانی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. امینی، عبدالحسین (۱۳۶۳)، الغدیر، ترجمه: واحدی، محمد تقی، تهران: کتابخانه بزرگ اسلامی، چاپ چهارم.
۴. بندر ریگی، محمد (۱۳۶۲)، ترجمه منجد الطلاب، فرهنگ عربی به فارسی، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ چهارم.
۵. بندر ریگی، محمد (۱۳۷۸)، فرهنگ جدید، تهران: انتشارات اسلامی.
۶. بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۸۷) به مناسبت عید سعید غدیر خم.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۲)، حدیث قدسی، تهران: نشر دهقان.
۸. ----- (۱۴۹۹ق)، وسائل الشیعه، قم: آل البیت.

۹. حر عاملی، محمد بن حسن(۱۳۸۲)، حدیث قدسی، تهران: نشر دهقان.
۱۰. حسینی طهرانی، سید محمد حسین(۱۳۹۳)، معاد شناسی، مشهد: نشر علامه طباطبائی.
۱۱. ----- (۱۴۲۶ق)، امام شناسی، مشهد: نشر علامه طباطبائی.
۱۲. راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد(۱۴۱۶ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: المكتبة المرتضویه.
۱۳. خامنه ای، سید علی(۱۳۷۷)، طرح کلی اندیشه اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. فاتحی نژاد، عنایت الله(۱۳۹۶)، فرهنگ معاصر، تهران: مجموعه فرهنگ های عربی.
۱۵. قرشی، علی اکبر(۱۳۵۲)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. کلینی، ثقه الاسلام ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق(۱۳۶۷ش)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. مجلس شورای اسلامی، (۱۳۶۹)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چ ۵، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۱۸. مجلسی، محمد باقر(۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد(۱۳۸۱)، موسوعه الامام علی بن ابی طالب، قم: دارالحدیث.
۲۰. ----- (۱۳۹۰)، اهل البيت فی الكتاب و السنه، قم: دارالحدیث.
- ۲۱.
۲۲. مصباح یزدی، محمد تقی(۱۳۸۸)، خودشناسی برای خود سازی، قم: موسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی(قدس سره).
۲۳. مطهری، مرتضی(۱۳۴۰)، تکامل اجتماعی انسان، تهران: انتشارات صدرا.
۲۴. ----- (۱۳۷۳)، انسان کامل، تهران: انتشارات صدرا.
۲۵. موسوی خمینی، روح الله(۱۳۶۸)، حکومت اسلامی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
۲۶. ----- (۱۳۶۶)، صحیفه نور، تهران: وزارت ارشاد اسلامی .